یکشنبه ۱۰ تیر ۱۴۰۳
شماره ۴۱۷۳
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

معاون علوم، مهندسی و کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

می‌خواهیم «سیلیکون‌ولی مجازی» بسازیم

سارا طاهری
خبرنگار گروه دانشگاه

«پژوهش‌های اثرگذار»، «دانشگاه‌های نسل چهارم»، «پژوهش‌های هدفمند» و «ارتباط دانشگاه با صنعت»؛ عباراتی آشنا هستند که طی سال‌های اخیر به وفور از زبان دولتمردان، سیاستگذاران علوم و فناوری و همچنین بدنه جامعه علمی متشکل از استادان و دانشجویان پژوهشگر به گوش رسیده است. ایران با وجود توسعه گسترده در بخش تئوریک علم، حرکت به سمت لبه دانش و البته حضور در جمع سردمداران و پیشتازان تولید مقاله، هیچ‌گاه نتوانسته کریدوری مشخص برای سرریز علوم به جامعه و صنایع و تبدیل دانش به محصولات و خدماتی مفید و کاربردی برای استفاده جامعه طراحی کند.

سال ۱۳۹۷ دانشگاه آزاد اسلامی از برنامه‌ای عظیم رونمایی کرد که بسیاری تصور می‌کردند سنگی بزرگ نشانه نزدن بوده و مانند نمونه‌های متعدد دیگر، سرنوشتی به جز یأس و فراموشی نخواهد داشت، اما حالا بعد از گذشت تقریبا ۶ سال، سامانه‌ای شکل گرفته که ده‌ها هزار پروپوزال، پایان‌نامه و رساله را در خود جای داده است.

در این میان باید به فردی اشاره کرد که از روز نخست تولد ایده «پایش»، ساختارسازی و حرکت به سوی پژوهش‌های اثرگذار، کنار دکتر محمدمهدی طهرانچی حضور داشته و حالا نیز مسئولیت نظارت بر دبیرخانه‌ها و مجریان علمی را برعهده دارد. دکتر محمد علی‌اکبری، دانش‌آموخته رشته فیزیک و استاد دانشگاه شهید بهشتی بوده و حالا معاون علوم، مهندسی و کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی است. علی‌اکبری مشاور رئیس دانشگاه در امور پژوهشی و رئیس باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان دانشگاه آزاد اسلامی نیز به شمار می‌رفت. او طرح هدفمندسازی پژوهش‌ها را از سال ۱۳۹۳ در دانشگاه بهشتی همراه با دکتر طهرانچی در سر داشت و حالا به رویای بزرگ‌تری فکر می‌کند؛ «سیلیکون‌ولی مجازی»؛ منطقه‌ای که همانند نامش مانند دره‌ای، غول‌های تکنولوژی و انفورماتیک جهان را در خود جای داده است. «سیلیکون‌ولی» واقع در آمریکا به مرکز فناوری اطلاعات و ارتباطات جهان شهرت دارد و ارزش هر کدام از کمپانی‌های عظیم درونش، بیش از تولید ناخالص ملی ده‌ها کشور است. دولت‌های زیادی در سراسر دنیا برای ساخت نمونه‌ای مشابه تلاش کردند، ولی به دلایل متعددی محکوم به شکست بودند.

علی‌اکبری معتقد است می‌توان «سیلیکون‌ولی ایرانی» را نه روی زمین بلکه بر بستر اینترنت بنا کرد. با او به گفت‌وگو نشستیم و به‌طور مفصل درباره برنامه‌های علمی دانشگاه آزاد اسلامی، چالش‌های پیش‌رو، دستاوردها، سامانه «پژوهشیار» و معضلات موجود بر سر راه دانشگاه و صنعت صحبت کردیم. ماحصل این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

یکی از دلایلی که باعث شد شما طرح «پایش» و برنامه‌های علمی را راه‌اندازی کنید، این بود که پژوهش‌ها در کشور اثرگذار نبودند. یک سری پایان‌نامه و رساله چاپ شده و در کتابخانه‌ها قرار می‌گرفتند. ابتدا می‌خواهیم به ادبیات مفهومی نسبت به «پژوهش اثرگذار» برسیم. اصلا پژوهش اثرگذار را چه مدلی از پژوهش در دانشگاه آزاد اسلامی و به‌صورت کلی در تمام دانشگاه‌ها می‌دانید؟

دو نوع می‌توان به بحث اثرگذاری پژوهش نگاه کرد. اتفاقا کشور ما در یکی از انواع آن موفق است؛ پژوهش‌های وابسته به شخص. مثلا من استاد دانشگاه در رشته خودم با یک صنعت قراردادی می‌بندم، کار صنعت را هم راه می‌اندازم و جلو می‌روم یا پروژه می‌گیرم، انجام می‌دهم و می‌روم. این پژوهش، اثرگذار است، چون برای من آورده‌ای دارد و صنعت هم بهره می‌برد. این یک بحث است که در کشور ما سابقه دارد. از نظر من، بد هم نیست. تعداد زیادی از آدم‌های توانمند و هیات‌علمی را می‌توانید در دانشگاه آزاد اسلامی پیدا کنید که به معنای واقعی و همین معنی، اثرگذار هستند. بحث ما این نیست. آنچه ما با آن شروع کردیم، متفاوت است.

۹۰ هزار یا ۱۰۰ هزار پایان‌نامه و ۲۰ هزار نفر داریم. با یک نفر سر و کار نداریم، چگونه می‌توان کاری انجام داد تا همگرایی در آن اتفاق بیفتد. باید این اثرگذار بودن به نحوی اتفاق بیفتد که حداقل دانش ۹۰ هزار پایان‌نامه «categorised» (تفکیک) شود. کلاس‌بندی کنید و بگویید در این کلاس کار، چنین کارهایی و در کلاس دیگری، اقدامات متفاوتی را انجام داده‌ام. همین‌گونه پیش بروید، این حداقل کاری است که می‌توانید انجام دهید. کاغذهایی که مثل همدیگر هستند را کنار یکدیگر بگذارید و همین روند را ادامه دهید؛ این می‌شود کاری که قسمت زیادی از آن را انجام داده‌ایم. پایان‌نامه‌ها را همگرا کرده‌ایم و گفته‌ایم ۱۰ پایان‌نامه در یک مدل خاص و پنج پایان‌نامه دیگر در مدل خاصی کار کرده‌اند. پس آنچه حداقل در ذهن شخص من است، این بوده قبل از اینکه بخواهم پژوهش را اثرگذار کنم، باید همگرا کنم و بعد از همگرایی به سراغ اثرگذاری بروم. باید ۵۰ پایان‌نامه را استخراج کرده و نتیجه آنها را تبدیل به خروجی مدیریتی یا صنعتی یا اجتماعی کنم. خروجی بستگی به موضوع دارد. آنجا می‌توانید اثرگذاری‌اش را ببینید. منطقی که اکنون در سامانه وجود دارد، منطق همگرا کردن است، ولی به‌زودی باید به این نکته فکر کنید که با یک نرم‌افزار یا هوش مصنوعی یا کمک آدم‌های متخصص به سمت ارائه فراتحلیل بروید. باید خروجی ۱۰ یا ۵۰ پایان‌نامه را تحلیل کنید؛ آن‌وقت اثرگذاری‌اش مشخص می‌شود. از فاز اول صحبت می‌کنم، درحالی‌که تاکنون پنج سال طول کشیده است؛ در فاز اول تلاش کردیم تولید علمی که در کشور به معنی پایان‌نامه و رساله اتفاق می‌افتد در موضوعات مختلف «classify» (طبقه‌بندی) شود.

مرحله بعدی چیست؟

مرحله بعدی این است که آنها را با همدیگر جمع کنیم و پنج ورق مدیریتی یا صنعتی یا اجتماعی ارائه کنید. هنوز یک گام خیلی مهم داریم؛ باید بتوانیم آنها را با همدیگر جمع کرده و خروجی بگیریم. آن خروجی باید اثرگذار باشد. البته معنی‌اش این نیست که پژوهش اثرگذار در کشور نداشتیم. چنین پژوهش‌هایی داشته‌ایم، ولی متکی به شخص بوده است. اکنون «پایش» متکی به شخص نیست. هر فرد در هر جای دانشگاه آزاد اسلامی می‌تواند کاری انجام دهد، در یکی از این بخش‌ها بگذارد و در آینده ما نیز از آن استفاده می‌کنیم.

هم‌اکنون می‌توانیم بگوییم هزار پایان‌نامه در حوزه پدافند غیرعامل داریم. دو سال دیگر می‌توانیم از پنج هزار پایان‌نامه در این حوزه حرف بزنیم. این تعداد در حوزه‌های مختلف پدافند پخش شده‌اند. باید بنشینیم و ببینیم هر کدام چه حرفی می‌زنند. خروجی‌اش را به پدافند غیرعامل دهیم. فکر می‌کنم حداقل دو سه سال دیگر با نقطه‌ای فاصله داریم که اثرگذاری مدنظر ما واقعی است و باید اتفاق بیفتد، رخ دهد.

پژوهش‌های هدفمند یا اثرگذار را با چه ویژگی‌هایی باید بشناسیم؟

یکی از ویژگی‌های خیلی شفافی که مردم درباره‌اش همه‌جا صحبت می‌کنند و همیشه گفته می‌شود، این است؛ شما یک کشور دارید، صنایع و مشکلات اجتماعی، اقتصادی و معضلات صنایع بزرگ هم دارید. اگر بخواهید به معنی «اثرگذار» نگاه کنید، می‌بینید آنچه خیلی درباره‌اش صحبت می‌کنیم، این است؛ پژوهش برای یکی از مشکلات کشور در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و هر مشکل دیگر، راه‌حلی ارائه دهد، نه اینکه لزوما مشکل را حل کند. حل مشکل، یک فرآیند دیگر است. امکان دارد شما برای حل یک مشکل، ۱۰ راه‌حل داشته باشید. اینکه شما بتوانید مشکلی را بیاورید، تبدیل به تز رساله یا پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد کنید، آن پایان‌نامه به شما پیشنهاد دهد و بگوید این مشکل اجتماعی را می‌توان این‌گونه حل کرد. فرد دیگری بیاید مخالفت کند و راه‌حل دیگری ارائه کند. برآیند آنها می‌شود چهار ورق مدیریتی که پیش‌تر اشاره کردم و می‌شود «پژوهش اثرگذار». باید یک فرد مدیر بنشیند و بگوید من مدیر در مسائل اجتماعی با توجه به این پژوهش‌ها می‌گویم این روش درست است و باید انجام شود. معمولا این کار در اقتصاد کشورهای پیشرفته، خیلی انجام می‌شود. مدل‌های اقتصادی ارائه می‌شود و رئیس جمهور یا مسئول «فدرال رزرو» می‌گوید: «من این مدل اقتصادی را اجرا می‌کنم.» ممکن است آن مدل، ایراد داشته باشد، ولی بالاخره از دل دانشگاه بیرون آمده، چندین آدم درباره‌اش صحبت و نظریه‌پردازی کرده‌اند. درنهایت می‌توانند جواب دهند. در مجموع یک جامعه انسانی، یک کشور و یک سری مشکلات کاملا مشخص داریم. باید بتوانیم آن مشکلات را در دانشگاه حل کرده و جواب دهید؛ این می‌شود اثرگذار.

مقام معظم رهبری در بحث پژوهش‌ها و رساله‌ها، صحبت‌های زیادی داشته‌اند. طی سال‌های اخیر چه اتفاقاتی افتاده تا پژوهش، اثرگذار شود؟ اصلا در جامعه علمی؛ چه دانشگاه آزاد اسلامی و چه دانشگاه‌های دولتی، اقداماتی انجام شده تا کشور را به سمت مطلوب هدایت کند؟

دانشگاه‌های دولتی را نمی‌دانم، ولی در دانشگاه آزاد اسلامی؛ بله، اتفاق افتاده است. پایش، همین است. از روز اولی که شروع کردیم، نیت‌مان همین بود که چنین کاری را انجام دهیم. علاوه‌بر اینکه مدام جلو می‌رویم، بدنه را هم کامل‌تر می‌کنیم. یک سری مسائل هستند که باید کنار پژوهش در نظر بگیرید. آنچه آمریکایی‌ها به‌عنوان «سیلیکون‌ولی» (محلی مشهور به مرکز فناوری اطلاعات و ارتباطات جهان) دارند و پژوهش را به یک محصول اولیه تبدیل می‌کنند. باید چنین مواردی را هم داشته باشیم. لزوما این‌گونه نیست که برای ساخت جت، پیش از همه موتورش را بسازید. ابتدا باید تحقیق کنید، آلیاژش را پیدا کرده، نمونه‌اش را بسازید و ارتقا دهید. بین پژوهش و صنعت، جایی هست که باید آنجا را هم داشته باشید. پژوهش را طبقه‌بندی کرده و خروجی‌اش را بگیرید؛ خوب است، ولی باید این خروجی را در جایی تست کنید یا ببینید کدام خروجی بهتر است. باید این موارد را چک کنید؛ این مفهومی است که آقای دکتر طهرانچی به آن «سرا» می‌گوید.

سرای نوآوری.

بله، لغت «نوآوری» خیلی جدی است. وقتی می‌خواهید مشکل یک کشور را حل کنید به یک معنا باید نوآوری کنید. اگر از قبل وجود داشت که مردم مشکل را حل می‌کردند. زمانی که می‌گویید می‌خواهم این کار را انجام دهم یعنی پژوهش‌تان منجر به یک نوآوری شود. لزوما همه پژوهش‌ها منجر به نوآوری نشده و نمی‌شوند. درصدش مشخص بوده و می‌توان گفت در دنیا هم به چه میزان است. برای اینکه بتوانید پژوهش را تبدیل به نوآوری کرده و آن را به داخل صنعت ببرید؛ به یک پل جدی میان پژوهش و صنعت، پژوهش و جامعه نیاز است؛ نتیجه‌اش می‌شود آنچه آقای دکتر طهرانچی به آن «سرای نوآوری» می‌گوید.

به این سادگی که می‌گوییم هم نیست. مثل مفهوم «پارک» است که آقایان در دانشگاه‌های دولتی راه‌اندازی کردند. چقدر موفق بودند؟ می‌توان رفت و دید. منظورم این است که نباید ساده به داستان نگاه کرد و گفت پایان‌نامه‌ها را به پایش آوردم، کارهایی انجام دادم و تمام شد. نه، تمام نشد. تازه باید به داخل سرا برود و بعد وارد صنعت شود. «سرا» یک مفهوم کاملاپیچیده است. در دانشگاه آزاد اسلامی مشغول انجام این کارها با همدیگر هستیم. چه زمانی به نتیجه می‌رسد؟ نمی‌دانم. پروژه پایش از ایده تا حالا به‌راحتی ۹ سال طول کشیده است.

سال ۱۳۹۷ هم رونمایی شد.

بله، سال ۱۳۹۷ در دانشگاه آزاد اسلامی رونمایی شد، ولی من از سال ۱۳۹۳ در دانشگاه شهید بهشتی، آن را دنبال می‌کردم. اکنون به این نقطه رسیده‌ایم که آنها را طبقه‌بندی کرده‌ایم و پایان‌نامه‌ها در درون آن می‌نشینند. حداقل دو سه سال دیگر باید صبر کنیم تا تعداد پایان‌نامه‌ها افزایش پیدا کنند. همزمان مفهوم سرا شکل گرفته باشد. خروجی‌ها را آرام‌آرام به داخل سرا ببریم و دانشجویی که پژوهش مذکور را انجام داده هم وارد سرا شود. حالا به این نکته فکر می‌کنیم که همایش‌های همگرا برگزار کنیم. دانشجویانی که در حوزه پدافند، تطابق نهایی گرفته‌اند را جمع کرده و همایشی داشته باشیم تا پایان‌نامه‌ها از جهات مختلف ارائه شوند. کم‌کم فرمتی که در دنیا وجود دارد را پیاده‌سازی می‌کنیم. فرمت دنیا مشخص است؛ همایش به دلیلی برگزار می‌شود. بخشی از آن دورهمی بوده و بخشی دیگر مربوط به انجام کار مشترک با همدیگر است. فرمت «با همدیگر» باید در ایران نیز شکل بگیرد. باید جایی باشد که ایده‌هایتان را ببرید و با آدم‌هایی مطرح کنید. آن آدم‌ها باید آدم‌های صنایع باشند؛ این می‌شود سرا. بچه‌ها باید آرام‌آرام به این سمت بروند. نمی‌شود فی‌البداهه خلق کنیم. باید زمان بگذرد.

پس اکنون یکی از ارتباطات شما با سراهای نوآوری دانشگاه آزاد اسلامی است.

بله.

ارتباط با روسای سراها از طریق مجریان شکل می‌گیرد؟

ما مفهومی به نام «دانشکدگان» جا انداخته‌ایم. دانشکدگان عملا میانبری خواهند شد تا مجریان برنامه‌های علمی ما را بیاورند، روسای سراها را نیز بیاورند تا حول یک حوزه مشترک مثل هوش مصنوعی با همدیگر کار کنند. ما یک رئیس دانشکده داریم، یک سرای هوش مصنوعی خواهیم داشت و یک برنامه علمی هوش مصنوعی داریم؛ آنها باید بیایند در اینجا بنشینند و با همدیگر حرف بزنند. آدم‌هایی که مسئول هستند باید بتوانند با همدیگر حرف بزنند. یک ساختار درست می‌کنیم که این آدم‌ها را در یک جا بنشانیم و بگوییم درست است کار برنامه علمی هوش مصنوعی انجام می‌دهید یا در صنایع کار می‌کنید، ولی همه روی هوش مصنوعی متمرکز هستید. درحال حاضر تعداد مقالات «گوگل» از بسیاری از دانشگاه‌ها بیشتر است. گوگل که دانشگاه نیست، ولی پژوهشگر و بخش پژوهشی دارد. از سوی دیگر تیم «development» (توسعه) دارد. گوگل هر روز در حال پیشرفت است، پس این دو کنار همدیگر هستند. ما می‌خواهیم «کنار همدیگر بودن» را در دانشکدگان درست کنیم. مفهومی به نام «دانشکده هوش مصنوعی» تاسیس کنیم؛ هم پژوهشگر و هم سرا باید آرام‌آرام در آن باشد. باید سرا را کنار آن بگذاریم. این اقدامات از نظر من کمی زمان بر است.

بنابراین طبق گفته‌های شما در حال حاضر یک دانشکدگان دارید؛ در آن رئیس سرا و مجری برنامه علمی حضور پیدا می‌کنند و همراه با رئیس دانشکدگان، تیمی را تشکیل می‌دهند.

بله، شورای دانشکدگان را تشکیل می‌دهند.

این شورا هنوز ایجاد نشده است؟

رئیس شورا مشخص است، مجری‌های برنامه‌های علمی که باید حاضر باشند نیز مشخص هستند. بعضی از شوراها تشکیل شده‌اند.

کار آنها ایجاد همان پل برای برقراری ارتباط با صنایع است؟

بله.

یکی از اتفاقاتی که در کشور هم در دانشگاه‌های دولتی و هم در دانشگاه آزاد اسلامی رخ می‌دهد، صحبت از حلقه مفقوده برای ارتباط با صنعت است، ولی چرا در عمل اتفاقی نمی‌افتد؟

سوال سختی است! تجربه دنیا چه می‌گوید؟ بهترین پلی که ساخته شده سیلیکون‌ولی است. یک طرف آن دانشگاه «استنفورد» بوده و طرف دیگر صنایع آمریکا هستند. سوال این است، آیا شما می‌توانید یک سیلیکون‌ولی دیگر بسازید؟ اگر بتوانید جواب این سوال را بدهید، آن‌وقت می‌توانید بفهمید صنایع جلو نمی‌آیند یا دانشگاهیان. آقایان آمریکایی خواستند یک سیلیکون‌ولی دیگر در «برکلی» بسازند، اما نتوانستند. در جاهای دیگر دنیا هم تلاش‌هایی صورت گرفت، ولی موفق نشدند. هیچ‌کسی نتوانست مثل سیلیکون‌ولی بسازد. چرا سیلیکون‌ولی، سیلیکون‌ولی شد؟ چرا این اتفاق در آنجا افتاد؟ می‌توان انواع و اقسام دلایل را ذکر کرد. بعضی اتفاقات با زور شدنی نیست. شما نمی‌توانید به بچه‌ها و صنایع بگویید بیایید اینجا بنشینید. صنعتی‌ها را هم مجبور کنید از میان بچه‌ها انتخاب کنند؛ این اتفاق نمی‌افتد و نمی‌توان کاری کرد. شما باید صبر کنید و محیط را بسازید. سیلیکون‌ولی سال ۱۹۳۹ استارت خورد، حالا در سال ۲۰۲۴ هستیم؛ یعنی ۸۵ سال قبل. اکنون شما انتظار دارید یک سرا در دانشگاه طی پنج سال بسازیم، نمی‌شود. باید محیطی آماده کنید. اینکه پارک بسازم، معنی‌اش این نیست که سیلیکون‌ولی ساخته‌ام. مردم رفته‌اند دلایل احداث سیلیکون‌ولی را بررسی کرده‌اند. یکی از دلایل این است که دانشگاه خیلی خوبی مثل استنفورد پشت آن است، ولی برکلی وقتی خواست نمونه مشابهی ایجاد کند، نتوانست این کار را انجام دهد؛ با وجود اینکه به همان اندازه خوب بود. بعد هم دیدند «multicultural» (چندفرهنگی) است. استنفورد، جایی است که بچه‌ها از کشورهای مختلف به آن می‌آیند. برکلی نیز چنین خاصیتی دارد، ولی باز هم نتوانست. همچنین دیدند فردی به نام «فردریک»، آدمی بود که کار را شروع کرد. از صنایع پول گرفت، اینجا گذاشت و بچه‌ها را آورد. همان آدم را بردند جای دیگری سیلیکون‌ولی بسازد، ولی او هم نتوانست چنین کاری کند. می‌خواهم بگویم دلیل واضحی ندارد. یک گام جلوتر رفتند و دیدند سرمایه‌گذار خارجی می‌خواهد. رفتند سرمایه‌گذار آوردند، اما بازهم نشد. هر کاری کردند و هر قدر خواستند شبیه‌سازی کنند، نمی‌شود. این‌گونه نیست که آدم تصمیم بگیرد و بسازد. باید تصمیم بگیرد و اجازه بدهد شرایط، خودش «revolve» (چرخش) کند. بعد به شرایط کمک کنید. ژاپن تا حدی توانسته این کار را انجام دهد. جایی مثل سیلیکون‌ولی ساخته‌اند، ولی مثل سیلیکون‌ولی نیست. یک شرکت بوده که از لحاظ ساختار، متفاوت است اما سعی می‌کند همان کار را انجام دهد.

زمانی مردم فکر می‌کردند صنعت جلو نمی‌آید و وقتی دیگر فکر می‌کردند دانشکده، پژوهشکده و پژوهشگران پیشقدم نمی‌شوند. حرفم این است اگر هر دو را هم بیاورید، ممکن است بازهم نتوانید به نتیجه برسید، چون پیش‌تر مردم چنین کاری کرده و فکر می‌کردند می‌شود! ولی نشد. خیلی هم از ما بهتر بوده‌اند. باید سعی کرد آرام‌آرام این فرهنگ را جا انداخت. باید درباره‌اش حرف زد و توضیح داد. باید افراد علاقه‌مند، بچه‌های باهوش و اشخاصی را پیدا کرد که راضی هستند سرمایه‌گذاری کنند. باید کم‌کم از یک هسته کوچک شروع کرد. نمی‌توان سیلیکون‌ولی را یک دفعه ساخت. تقریبا مطمئن هستم که نمی‌توان سیلیکون‌ولی ساخت. باید محیط علمی خود را آموزش دهید، صنعت ما هم باید آموزش ببیند و قبول کند زمانی می‌توان چنین کاری کرد. این نگاه در صنعت نیست. سمت دیگر و در آموزش و پژوهش ما هم چنین نگاهی دیده نمی‌شود. هر دو طرف را باید آموزش داده و در جای درست قرار دهید؛ تازه باید سرمایه‌گذاری‌هایی وجود داشته باشد و بچه‌هایی باشند که چندجانبه فکر کنند. نمی‌توانید به یک بچه بگویید چنین کاری کند. آقای «زاکربرگ» که «فیسبوک» را راه انداخت، هوش اجتماعی هم داشت. او فقط برنامه ننوشت، بلکه نشست و فکر کرد که چه کاری انجام دهد تا مردم علاقه‌مند شوند، لایک کنند و خبر بخوانند. من می‌توانم خبر را در «بی‌بی‌سی» هم بخوانم، ولی چرا به «فیسبوک» می‌روم و آنجا می‌خوانم؟ او هوش اجتماعی هم داشت. فرآیند ساده و فقط برنامه‌نویسی نبود. این چندگانگی باید شکل بگیرد. من از جمله کسانی هستم که مخالف رشته بین‌رشته‌ای هستم. وقتی به من می‌گویند رشته بین‌رشته‌ای، می‌گویم آن هم رشته است «بین‌رشته‌ای» یعنی چه؟ اصلا بگویید رشته چندرشته‌ای. باز هم «رشته» است. مهم این است که شما بتوانید چند رشته‌ای آموزش دهید. محیطی بسازید تا بچه بیاید آموزش ببیند. منظورم از آموزش، درس نیست، بلکه تفکر چند رشته‌ای پیدا کند. او باید بفهمد که اگر می‌خواهد فیسبوک راه بیندازد، مسائل اجتماعی و مالی هم مهم است. برای مخاطب باید جذاب باشد و فقط کد نوشتن نیست. تصویرش باید خوشگل باشد. به قول آنها «backend» و «front» باید قشنگ باشد. باید درکی نسبت به همه این موارد پیدا کند. چنین نگاهی هم در کلاس به دست نمی‌آید، بلکه در سیلیکون‌ولی به دست می‌آید. آنجا پنج شش آدم همفکر می‌نشینند، ارتباط انسانی با همدیگر برقرار می‌کنند و به هر دلیلی ممکن است از یکدیگر خوششان آمده باشد. دور هم می‌نشینند و حول یک موضوع فکر می‌کنند؛ این می‌شود سیلیکون‌ولی، این می‌شود پارک و سرایی که آقای دکتر طهرانچی می‌خواهد. از نظر من به هیچ عنوان و با هیچ زوری نمی‌توانید - همان‌طور که دنیا در این ۶۰ سال نتوانسته - چنین کاری انجام دهید. هیچ‌گونه نمی‌شود، فقط باید اجازه داد این فوران اتفاق بیفتد.

نکته دیگری می‌گویم که شاید برایتان جالب باشد؛ کرونا درسی به ما یاد داد که می‌توان این کارها را به صورت مجازی انجام داد. حالا سوال این است؛ آیا می‌شود سیلیکون‌ولی مجازی ساخت؟ می‌توان نرم‌افزار و پلتفرم داشت؟ سیلیکون‌ولی باشد، ولی مجازی باشد. من و شما همدیگر را نبینیم، اما روی یک موضوع کار کنیم. این سوال جذابی در حال حاضر است. آیا می‌توانیم سرای مجازی داشته باشیم؟ دانشگاه آزاد اسلامی در این حوزه هم ورود کرده است.

احتمالا زمان زیادی می‌طلبد.

ما هم‌اکنون آن را داریم.

مثل سامانه «ست»؟

بله، آن پلتفرمی است که می‌تواند یک سیلیکون‌ولی مجازی باشد.

از صحبت‌های شما به ۲ نکته رسیدیم؛ اینکه هم باید به دانشگاه‌ها و هم صنایع آموزش داد. دانشگاه‌ها این آموزش را کم و بیش در عمل انجام می‌دهند. در واحدها و دانشگاه‌هایی کمتر و در برخی بیشتر است. آموزش در صنایع باید چگونه صورت بگیرد؟

همین حالا یک سری آدم‌ها در صنایع هستند. اکنون زمان زیادی از ما در صنعت می‌گذرد. آقای دکتر رنجبران رئیس دانشگاه تبریز، «ست» را راه انداخت و با توجه به پژوهش‌های انجام‌شده در رباتیک، کاری در تراکتورسازی انجام داد. ما باید برویم به صنعت بگوییم. ممکن است اصلا ندانند شما می‌توانید چنین کاری را انجام دهید یا نمی‌توانید؛ این وظیفه ماست. چگونه می‌توانیم این کار را انجام دهیم، سوال دیگری است. ست همان سیلیکون‌ولی مجازی است و این کار را می‌کند. صنعت باید در خانه ما را بزند و بپرسد تو می‌توانی این کار را انجام دهی یا نمی‌توانی؟

این کار را نمی‌کنند.

بله، هم وقت‌گیر است و هم فایده‌ای ندارد. ۳۰ دانشگاه را یکی یکی بررسی و صحبت کند؟ نمی‌شود. اگر شما سامانه‌ای مجازی داشته باشید و توانمندی‌هایتان در آن موجود باشد. صنعت هم بداند که از آن نفع می‌برد. صنعت از پایش سودی نمی‌برد، پس به‌دنبالش هم نمی‌رود. شما فقط اطلاعات خود را طبقه‌بندی می‌کنید که در آینده، چیزی از آن بیرون بکشید. اگر صنعت احساس کند شما در جایی به دردش می‌خورید یا هزار تومان ارزان‌تر می‌دهید؛ حتما می‌آید. آنجایی که باید هزار تومان را ببینید، از نظر من در حال حاضر ست است. شما می‌توانید به مدیرعامل بگویید پشت کامپیوترت بنشین و اصلا بیرون نیا. وارد این سامانه شو ببین آنچه می‌خواهی را ما تولید می‌کنیم یا نه. چند می‌فروشیم؟ اگر شدنی باشد، اتفاق می‌افتد. خودتان همین کار را می‌کنید. وقتی از «دیجی‌کالا» یا «ترب» خرید می‌کنید، چه کاری انجام می‌دهید؟ به همین شکل است. اعتماد دارید؟ نه، ولی وقتی می‌بینید یک نفر پشتش نشسته و تضمین می‌کند، با خود می‌گویید خیلی خوب، هزار یا ۱۰ هزار یا ۱۰۰ هزار تومان به نفع من است. این تلاش ما و کاری که آقای دکتر طهرانچی انجام داده، جلوتر از زمانه ایران است. به نظر شخصی من، هنوز به این سطح از فهم پژوهش نرسیده‌ایم که سیلیکون‌ولی مجازی

ادامه در صفحه ۵

ادامه از صفحه ۴

را تصور کنیم. فکر می‌کنم ست برای ما سیلیکون‌ولی مجازی خواهد بود.

کمی به عقب‌تر برگردیم؛ بحثی مطرح بود مبنی بر اینکه پایان‌نامه‌ها در کتابخانه‌ها خاک می‌خورند. در این میان منتقدانی از سوی دیگر معتقد هستند اگر به سمت حل مسائل و ارتباط با صنعت برویم، استاد از نوشتن مقاله بازمی‌ماند. نظر شما در این باره چیست؟

من قبول ندارم. حضرت‌آقا در صحبت‌هایشان نکته‌ای برای علم دارند که من نقل به مضمون می‌کنم. ایشان می‌گویند یکی از وظایف ما پیشرفت در جبهه علمی است.

امکان ندارد که بتوانید یک مشکل صنعت را حل کنید، ولی آن را مقاله نکنید. وقتی مساله‌ای را به شکلی جدید حل می‌کنید، حتما می‌تواند مقاله شود. چرا مقاله نشود؟ زمانی که تبدیل به مقاله شد، می‌شود حرکت در جبهه علمی. این تناقض را درک نمی‌کنم که اگر شما مشکل صنعت را حل کردید، تبدیل به مقاله نشود؛ مگر موارد خاص. حتما استثنا خواهد داشت. اگر شما در حوزه‌های علوم اسلامی کار کنید، ممکن است در آن سوی دنیا بگویند چون شما در حوزه علوم اسلامی کار می‌کنید، ما قبول نمی‌کنیم. درست است که امکان دارد چنین اتفاقی بیفتد، ولی همه این‌گونه نیستند. شما نمی‌توانید در حوزه برق کار کرده و یک مشکل کشور مانند اتلاف انرژی را حل کنید، اما نتوانید موضوع اتلاف انرژی را چاپ کنید. قطعا می‌توانید این کار را انجام دهید.

اشاره کردید از سال ۱۳۹۳ کار روی پایش را شروع کردید. چه اتفاقاتی در این مدت افتاد و با چه مشکلاتی مواجه بودید؟ در فروردین ۱۴۰۳ چقدر به اهدافی رسیدید که سال ۱۳۹۷ در سر داشتید؟

خیلی سخت است که بخواهم جزئیاتش را به شما بگویم. سال ۱۳۹۳ یا ۱۳۹۴ در دانشگاه شهید بهشتی و زمانی که آقای دکتر طهرانچی، رئیس بود برنامه علمی را استارت زدیم. ۹ یا ۱۰ برنامه علمی داشتیم و همین مکانیسم را پیاده کردیم. بخش‌های مهم را به شما می‌گویم؛ مواردی که امروز به آن «زمینه پژوهشی» می‌گوییم را آن زمان استخراج کرده و فکر می‌کردیم چگونه آنها را برای ۹ برنامه علمی بنویسیم. قسمت اول کار با توجه به جابه‌جایی رخ‌داده برای آقای دکتر به وقفه‌ای برخورد کرد. وقتی به دانشگاه آزاد اسلامی استان تهران آمدیم، مهم‌ترین اتفاقی که رخ داد این بود که توانستیم الگویی طراح کنیم. الگوی «چالش، هدف، منظومه» را طراحی کردیم و آقای دکتر نیز آن را در ذهن خود می‌پروراند. آرام‌آرام با این و آن صحبت می‌کردیم و می‌گفتیم چه کار کنیم؟ چگونه یک مساله کلان را به مسائل ریز خرد کنیم؟ مثلا پدافند غیرعامل، یک مساله کلان بوده و چالش‌هایش نیز کلان است؛ چگونه آن را خرد کنیم و به پایان‌نامه برسانیم. نمی‌توان پایان‌نامه درباره پدافند تعریف کرد. در تهران، الگویی در ذهنمان پیدا کردیم. کم‌کم جست‌وجو کردیم و دیدیم چنین الگویی وجود داشت. «Project portfolio management» و به‌طور مخفف «ppm» بود. آن الگو را در استان تهران شروع کردیم. یک سری کارکرد و برنامه هم درآوردیم، تا اینکه آقای دکتر طهرانچی به سازمان آمد. وقتی به سازمان آمدیم، آن الگو در حال کار بود. یک سری برنامه نیز داشتیم. سوال این بود؛ چگونه آن را به دست دانشجو برسانیم؟ ویژگی دانشگاه آزاد اسلامی این بود که ۲۷۰ واحد دارد و جمع آن با مراکز، بیشتر هم می‌شود. چگونه برنامه را در اختیار دانشجو قرار دهیم؟ ما دانشگاه شهید بهشتی با ۲۰ هزار دانشجو نبودیم، بلکه حالا یک میلیون دانشجو داشتیم. باید برنامه را به دست دانشجو می‌رساندیم. برای پایان‌نامه تقریبا ۱۰۰ هزار دانشجو داشتیم. آنجا ایده یک سامانه برای این کار مطرح شد. شروع به نوشتن سامانه‌ای کردیم و وسط کار متوجه شدیم که نمی‌توان با آن سامانه، جلو رفت. پژوهشیار هم کنارش رشد کرد. سال ۱۳۹۷ آمدیم، در تاریخ اول اردیبهشت سال ۱۳۹۸، «تی‌سی» و همه چیز را قطع کردیم و کل کشور روی پژوهشیار رفت. آن برنامه نیز کنارش در حال رشد بود، ولی میانه کار فهمیدیم دیگر فایده‌ای ندارد و نمی‌توانیم با آن برنامه کار کنیم. شدنی نبود و کار سختی است. تمام اطلاعاتی که آنجا یاد گرفته بودیم و همه آنچه بلد بودیم را یک‌دفعه بردیم روی پژوهشیار سوار کردیم. این اتفاق خیلی مهم بود. تجربه‌ای از ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ در استخراج برنامه علمی و احصای موضوعات داشتیم. الگوی خود را بلد بودیم. تلاش کردیم یک سامانه بنویسم که موفق نبودیم. آنچه ما می‌خواستیم در عمل اتفاق نیفتاد. یک‌دفعه همه این اطلاعات را جمع کرده و در پژوهشیار خالی کردیم. سامانه پژوهشیار در آن زمان خیلی خوب این کار را انجام داد، ولی تقریبا پنج سال طول کشید.

پژوهشیار الان به بلوغ کامل رسیده است؟

بله، در حال حاضر به بلوغی رسیده که می‌توانیم روی آن کنترل داشته باشیم. ما می‌فهمیم پروپوزال چه زمانی تایید می‌شود و چه نمره‌ای می‌گیرد تا به مرحله آخر برسد. البته هنوز باید «upgrade» (ارتقا) یافته و بهتر شود. الحق‌والانصاف خیلی وقت گذاشتیم و زمان زیادی برد تا شکل بگیرد. از هیچ، این سامانه را ساختیم. نه ایده‌ای وجود داشت، نه قبلاکسی این کار را کرده بود، نه راهنمایی داشتیم و نه می‌توانستیم اطلاعاتی در اینترنت گیر بیاوریم. اگر گیر هم می‌آوردیم به درد نمی‌خورد، چون باید برای این دانشگاه اجرا می‌کردیم و چیزی وجود نداشت. همه را با حرف زدن و فکر، آرام‌آرام ساختیم تا به اینجا رسیدیم. بعد از انتقال اطلاعات به پژوهشیار، مشکل اصلی این بود که ساختار را جا بیندازیم. هنوز در بعضی از استان‌ها به خوبی جا نیفتاده است. رئیس استان می‌گوید: «تو که عضو شورای دانشی استان دیگری هستی، چرا من حقوقت را بدهم؟» هنوز این ساختار جا نیفتاده که یک دانشگاه آزاد اسلامی وجود دارد و اگر مشکل استان دیگری را حل می‌کند، در واقع مشکل مرا حل کرده است. تو و او برای من معنی ندارد. پیش‌تر هم گفتم باید با روحیه همکاری با یکدیگر کار کرد. این صحبت‌ها را رها کنید. بیایید دور همدیگر بنشینیم؛ در حال انجام یک کار مشترک هستیم. همه دانشگاه آزاد اسلامی هستیم. هنوز نتوانسته‌ایم این ساختار را جا بیندازیم. چنانکه گفتم کار ساده‌ای نیست. آقای «فردریک» سال ۱۹۳۹ شروع کرده، نزدیک به ۵۰ سال فعالیت داشته و ۳۰ سال پیش نتیجه گرفته است. ما باید حداقل ۱۰ سال دیگر کار کنیم تا بتوانیم تجربیات آنها را به ایران بیاوریم.

فکر می‌کنید به ۵۰ درصد اهداف دست یافته‌اید؟

اگر بخواهم آنچه در ابتدا فکر می‌کردیم را فازبندی کنم، باید بگویم دو سه سال پیش می‌دانستیم به فراتحلیل نیاز داریم. فراتحلیل، فاز دوم ما بود. اگر بخواهم شرایط را توصیف کنم ما فاز اول را تمام کرده‌ایم. فاز اول کامل در حال کار است. اگر فاز اول را صددرصد در نظر بگیریم، من هم صددرصد کارم را انجام داده‌ام، ولی اگر ترکیبی از فاز دو، سه و چهار را در نظر بگیریم که مدام باید ادامه پیدا کند، شاید ۱۰ درصد کار هم انجام نشده باشد.

یک سری از برنامه‌های علمی در سند تحول تعریف شده‌اند تا واحدها، اقداماتی در این راستا انجام دهند. واحدها در این حوزه چگونه عمل کرده‌اند؟ در ۲ سال و نیم باقی مانده از سند تحول، شاهد چه اتفاق جدیدی در دانشگاه آزاد اسلامی خواهیم بود؟

ما یک گزارش‌گیری روی خود سامانه سوار کردیم. یک رتبه‌بندی روی برنامه‌های علمی داریم و خروجی‌مان را با سند چک می‌کنیم. در حال حاضر اعدادی ندارم تا به شما بگویم. یک خروجی از سامانه می‌گیرم که همه عدد و رقم و کاملاکمیتی است. در ادامه با سند چک می‌کنم. اگر درصد رشدشان خوب بود، می‌گویم برنامه علمی خوب است و کیفیت برنامه و همچنین درجه دبیرخانه را بالاتر می‌برم. مثلا مرتبه دبیرخانه پنج است، آن را چهار یا سه یا دو می‌کنم. از یک تا هفت برای دبیرخانه‌ها، درجه‌بندی داریم. از طرف دیگر بعضی از برنامه‌ها را به هر دلیلی تعلیق می‌کنیم؛ مخاطب نداشته یا مجری خوب کار نکرده یا استان عملکرد خوبی نداشته است. تعلیق کرده و می‌گوییم نمی‌خواهیم این برنامه انجام شود. با سند چک می‌کنیم. معمولا استان‌های خوب ما از سند عقب نیستند. یک سری از استان‌ها اصلا برنامه علمی ندارند که بخواهیم آنها را چک کنیم.

دانشگاه آزاد اسلامی ۴ قدم داشته؛ برنامه علمی، پلتفرم‌های برنامه علمی که تحت پژوهشیار بالا آمده و کل کار را منسجم کرده، پیش‌دفاع و مشابهت‌یاب.

می‌توان گفت این موارد، ۴ قدم دانشگاه آزاد اسلامی در زمینه پژوهش اثرگذار بوده است؟

بحث پیش‌دفاع جداست یعنی ما می‌خواهیم کیفیت رساله‌های دکتری خود را افزایش دهیم. حدود ۲۷۰ هزار پروپوزال داریم. سالانه ۱۰۰ هزار مورد دیگر هم اضافه می‌شود؛ به اندازه تمام وزارت علوم که در «ایرانداک» می‌گذارند، پروپوزال و پایان‌نامه داریم. وقتی بانک اطلاعاتی به این بزرگی دارید، خودتان می‌توانید یک مشابهت‌یاب باشید. ادعا داریم یک ایرانداک هستیم، به همین دلیل یک مشابهت‌یاب برای خودمان نوشته‌ایم و خودمان را به اندازه ایرانداک بزرگ می‌دانیم. علتی که مشابهت‌یاب نوشتیم، این بوده و علت پیش‌دفاع هم افزایش کیفیت است. پایش هم برای طبقه‌بندی و اثرگذار کردن پژوهش‌ها بوده، اما پلتفرم، بحث دیگری است. وقتی از پلتفرم حرف می‌زنید، موضوع خیلی باز می‌شود. با توجه به تعریفی که قبل‌تر برای شما ارائه کردم، ست یک سیلیکون‌ولی مجازی است، چون نمی‌توان آن را پلتفرم پژوهشی دانست.

چرا تعداد برنامه‌های علمی در استان تهران نسبت به دیگر استان‌ها بیشتر است؟

چون استان تهران به راحتی ۶۰ تا ۷۰ درصد پروپوزال‌های ما را داشت.

ابتدا تصورمان این بود که بیشتر واحدهای پیشرو را از میان واحدهای تهران انتخاب کرده‌اید؟

نه، باید قبول کنیم واحدهای تهران، واحدهای قوی‌تری نسبت به کل کشور هستند. تعداد دانشجویان، اعضای هیات‌علمی و پروپوزال‌های آنها بیشتر است و شرایط به‌صورت خودکار این‌گونه می‌شود. در این میان قرار است برنامه‌ها به‌روزرسانی و اصلاح شوند، ولی به‌شدت مقاومت می‌کنیم تا برنامه جدیدی ندهیم.

چرا؟ علت چیست؟

همین برنامه‌ها رشد پیدا کنند، بهتر است. وقتی تعداد برنامه‌ها را زیاد کنید آسیب ایجاد می‌شود. ۱۰۰ دانشجو را در ۵۰ برنامه پخش کنید، بهتر است یا در ۳۰ برنامه؟ هر چه تعداد برنامه‌ها کمتر باشد، پخش‌شدگی دانشجویان و تعداد آنهایی که رجوع می‌کنند بیشتر می‌شود، کیفیت کار بالاتر می‌رود. افزایش تعداد برنامه‌ها، کار خوبی نیست؛ مگر برنامه‌هایی که مخاطب داشته باشند. مثلا هوش مصنوعی، مخاطب دارد و حتما باید اضافه شود، ولی یک سری برنامه‌ها مخاطب ندارند و دلیلی نیست که وجود داشته باشند. کار خاصی هم در آنها اتفاق نمی‌افتد. اگر چنین برنامه‌ای ارائه کنید، صرفا تعدادی دانشجو به آنجا می‌روند، کاری می‌کنند و سرآخر هم چیزی دستمان را نمی‌گیرد. تعداد و علاقه‌مندی به هر دلیلی کم است، پس باید به سمت برنامه‌هایی برویم که برایمان مفید هستند، تعداد دانشجو در آنها زیاد است و دانشجویان و استادان به هر دلیلی علاقه‌مند هستند؛ این نشان می‌دهد توانمندی من در دانشگاه یعنی چه. وقتی همه دانشجویان من در دانشگاه روی پدافند کار می‌کنند، حتما استادانم قوی هستند. دلیلی ندارد پدافند را رها کنم و به انرژی‌های خورشیدی بچسبم؛ وقتی هیچ‌کسی کار نمی‌کند. ما می‌خواهیم تعداد را کنترل کرده و شاید حتی کمتر کنیم.

یک سری از استادان درباره موضوعات مختلف، گلایه‌هایی مطرح کردند. به‌طور مثال برخی می‌گویند نمی‌توان برای همه رشته‌ها برنامه علمی نوشت. چطور به این نقد پاسخ می‌دهید؟

درباره زبان انگلیسی باید بگویم؛ اتفاقا خودم در جلسه‌ای گفتم فکر کنید و یک برنامه علمی برای زبان انگلیسی بنویسید. هیچ‌کسی نمی‌آید. من هم تخصص زبان انگلیسی ندارم. سوالم این است آیا واقعا زبان انگلیسی به هیچ دردی نمی‌خورد؟ از کسانی که انتقاد می‌کنند، سوالی دارم آیا زبان انگلیسی به‌عنوان موردی کاربردی در هیچ جایی استفاده نمی‌شود؟ می‌شود یا نمی‌شود؟ اگر می‌شود، جلو بیایند و برنامه بنویسید. اگر هم نمی‌شود، اعلام کنند تا ما کلاآن را برداریم. من این ادبیات را قبول ندارم که زبان انگلیسی در جایی استفاده نمی‌شود.

خیلی از استادان پیش من آمدند. دقیقا یادم هست فردی که رشته‌اش زبان انگلیسی بود، در جلسه‌ای به میزبانی مشهد، همین صحبت را مطرح کرد و من نیز جواب مشابهی دادم. به او گفتم آیا فکر می‌کنید زبان انگلیسی در هیچ‌کجا استفاده نمی‌شود؟ او جواب داد: «نه، اصلا این‌گونه نیست. زبان انگلیسی، کاربرد زیادی هم دارد.» گفتم برنامه بنویسید؛ ولی نمی‌نویسند.

علت چیست که نمی‌نویسند؟

نمی‌دانم. باید از آنها بپرسید. گلایه دارند، ولی همکاری نمی‌کنند. من نمی‌توانم آن را رها کنم. این‌طور باشد همه رشته‌ها می‌گویند ما را رها کنید.

رشته‌های دیگری به‌جز زبان انگلیسی هم معترض بودند؟

بله، رشته‌های زیادی مثل ادبیات فارسی و زبان فرانسه هم بودند و همین حرف را می‌زنند. بعضی از رشته‌ها، دانشجویان بیشتری داشته و مشکلات بیشتری هم دارند. حرف‌شان این است که روی رشته ما نمی‌توان برنامه علمی نوشت. ولی همین حرف را به آنها بگویید، مدعی می‌شوند نگارش برنامه شدنی است. چنانکه گفتم در مشهد، استاد زبان انگلیسی چنین حرفی به من زد. به او گفتم اعتقادتان این است برای زبان انگلیسی نمی‌توان هیچ برنامه نظام‌مندی نوشت؟ جواب داد: «من چنین حرفی نزدم. می‌شود نوشت.» گفتم پس بنویس.

یعنی معتقدید در همه رشته‌ها می‌توان برنامه علمی داشت؟

بله. شما این‌گونه فکر می‌کنید که می‌خواهیم همه را به صنعت وصل کنیم. اصلا به صنعت وصل نکنیم.

برنامه‌ای مثل «گفتمان مقاومت» در کرمان اصلا به صنعت وصل نمی‌شود.

بله، ولی نوشته‌اند. من آدم خبره‌ای در انگلیسی نیستم، ولی خیلی راحت می‌توانم درک کنم که بالاخره حوزه انگلیسی، «subject» (موضوع)هایی در پژوهش دارد. مگر می‌شود نداشته باشد؟ چگونه ادبیات فارسی ما در پژوهش، موضوع دارد؟ چگونه حافظ‌شناسی مربوط به قرن هفتم و هشتم داریم و هنوز درباره «حافظ» حرف می‌زنند؟ چون فارسی می‌فهمیم، مثال فارسی می‌زنم. برنامه «حافظ‌شناسی» تعریف کرده و درباره غزلیات و مسائل خاص آن صحبت کنید؛ این درخت دانش بوده و چیز عجیبی نیست. فردا می‌گویم در حوزه حافظ‌شناسی و غزلیات او ۳۰۰ پایان‌نامه دارم. برنامه علمی، همین است. چه لزومی دارد به صنعت وصل شود؟ همه چیز به صنعت وصل نمی‌شود. رهبری هم در صحبت‌هایشان فرمودند: «مرزهای دانش.» ادبیات فارسی و زبان انگلیسی، دانش هستند، پس مرزهایشان را جلوتر ببریم.

ارتباط سراها به‌طور مشخص با صنایع شکل می‌گیرد. مثلا «ذوب‌آهن» با صنعت ارتباط برقرار می‌کند و یک سری دیگر مانند «مقاومت» ارتباط دیگری دارند.

ارتباط آنها با جامعه است. اینها حرف‌هایی است که باید آدم‌های دقیق بزنند و من نباید مطرح کنم. حالا می‌گویم به‌طور مثال شما چگونه روانشناسی را به پزشکی وصل می‌کنید؟ چرا ادبیات فارسی را به پزشکی وصل نمی‌کنید؟ چرا نمی‌خواهید برخی مشکلات روانی را با شعر حل کنید؟ پس راهی وجود دارد تا شعر را به پزشکی وصل کنید، پس این کار را انجام دهید. شنیده‌اید که می‌گویند بروید آهنگ شجریان گوش کنید، حالتان خوب می‌شود. حتما چیزی هست. بروید و وصل کنید. چرا این کار را نمی‌کنند؟ من که نمی‌توانم چنین کاری کنم. استادان ادبیات باید این کار را انجام دهند، اما ورود نمی‌کنند. این تفکر را قبول ندارند یا به آن فکر کرده‌اند؛ نمی‌دانم. من این حرف را قبول نمی‌کنم؛ حوزه‌ای در دنیا باشد که تحقیقات جدید نداشته باشد. اگر چنین چیزی هست یعنی مرده است. همه حوزه‌های علم، تحقیقات جدید دارند. وقتی از علم، حرف می‌زنیم، ادبیات فارسی هم از نظر من یک علم است. ریاضیات کاربردی و غیرکاربردی نیز از نگاه من علم هستند. ریاضیدانی می‌نشیند و معادله دیفرانسیلی را حل می‌کند که تا حالا حل نشده یا مقاله چاپ می‌کند؛ این مرز دانش است. همین کار را برای ما «categorized» کنند، ولی نمی‌کنند.

مدرسه عالی مهارتی رسانه‌ای فرهیختگان
۰۹۱۰۸۱۰۶۵۳۵
Farhikhteghan_school

مدرک فارغ‌التحصیلی دانشجو مژده مشایخی اسفیچار فرزند غلامرضا به شماره شناسنامه ۳۰۲۰۰۰۹۶۵۰۲ صادره از جیرفت در مقطع کارشناسی ناپیوسته در رشته آموزش و پرورش ابتدایی واحد دانشگاه آزاد جیرفت با شماره تماس ۰۹۳۸۶۰۴۰۷۸ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک دانشگاهی را به دانشگاه آزاد واحد جیرفت به نشانی جیرفت میدان دانشگاه ارسال نماید.

صدای نخبگان، نگاه جوانان
WWW.FDN.IR
روزنامه فرهیختگان
farhikhteganonline
FARHIKHTEGAN

وزارت راه و شهرسازی
سازمان مجری ساختمان‌ها و تاسیسات دولتی
نوبت دوم

آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای واگذاری حجمی امور خدمات و نظافت

سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی وزارت راه و شهرسازی در نظر دارد مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای واگذاری حجمی امور خدمات و نظافت ساختمان مرکزی خود را به شماره فراخوان (۲۰۰۳۰۰۳۰۹۲۰۰۰۰۲۰) را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از زمان دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکات از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
تاریخ انتشار فراخوان در سامانه مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۰۹ می‌باشد.
مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت: ساعت ۱۹ مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۱۵
مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: ساعت: ۱۹ مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۲۶
زمان بازگشایی پاکت‌ها: ساعت ۸:۳۰ صبح مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۳۰
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گذار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکات:
آدرس: تهران میدان ونک، خیابان ملاصدرا، خیابان شیراز شمالی، خیابان دانشور شرقی، پلاک ۳۳، سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی، اداره کل توسعه منابع انسانی و پشتیبانی، تلفن ۸۸۰۳۹۵۵۴ و ۸۸۰۳۹۵۰۴
هزینه درج آگهی از برنده مناقصه دریافت خواهد شد.
درج این آگهی هیچ‌گونه تعهدی برای دستگاه مناقصه‌گذار ایجاد نمی‌نماید.
سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی وزارت راه و شهرسازی
شماره شناسه ۱۷۴۰۰۳۳
شماره م.الف ۱۱۲۶

شهرداری شیراز
نوبت اول

آگهی مناقصه عمومی ۲۵۶-۱۴۰۳

نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۴/۱۰ - نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۴/۱۱
سازمان عمران و بازآفرینی فضاهای شهری شهرداری شیراز در نظر دارد اجرای عملیات آرماتوربندی، قالب‌بندی و بتن‌ریزی (شفت، ستون و سرستون، عرشه) پل شماره یک و دو و پل ورودی اداره اطلاعات پروژه تقاطع غیرهمسطح جام‌جم (به‌صورت دستمزدی) را از طریق برگزاری مناقصه عمومی در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) با شماره فراخوان ۲۰۰۳۰۹۶۶۸۸۰۰۰۱۸۲ به اشخاص واجد شرایط واگذار نماید. لذا از کلیه اشخاص حقوقی با توجه به شرایط ذیل دعوت به عمل می‌آید با مراجعه به آدرس WWW.Setadiran.ir نسبت به دریافت اسناد مناقصه و تحویل آن اقدام نمایند. در صورت عدم عضویت قبلی، ثبت‌نام در سامانه مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی صاحبان امضاء مجاز از سوی متقاضیان جهت شرکت در مناقصه الزامی است. ضمنا در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر شماره تلفن: ۰۷۱۳۸۳۵۰۷۲۹ آماده پاسخگویی می‌باشد.
مبلغ برآورد: ۸۵/۲۰۳/۴۲۰/۵۰۹ ریال
مدت قرارداد: ۱۲ماه
شرایط شرکت‌کنندگان: کلیه اشخاص حقوقی با ارائه رتبه‌بندی و صلاحیت دارای اعتبار از سازمان برنامه‌وبودجه کشور حداقل پایه ۵ در رشته‌های راه و باند و فرودگاه یا ابنیه و سابقه مرتبط با موضوع مناقصه (سوابقی مورد تایید شهرداری می‌باشد که با دستگاه‌های اجرایی باشد) و ارائه گواهینامه تایید صلاحیت ایمنی از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی و تصویر گواهینامه صلاحیت پیمانکاری الزامی می‌باشد.
محل انجام کار: شیراز، بلوار جمهوری، ابتدای بزرگراه سردار سلیمانی.
مبلغ سپرده شرکت در مناقصه ۴/۲۷۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به‌صورت ضمانتنامه بانکی یا فیش واریزی نقدی به حساب جاری سپرده ۱۰۰۸۰۵۵۰۴۷۴۲ بانک شهر به نام شهرداری شیراز با کد مرجع ۱۰۱۷۶۸
برندگان اول و دوم مناقصه هرگاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آنان به ترتیب ضبط خواهد شد.
در زمان انعقاد قرارداد ۵٪ مبلغ پیشنهادی به‌عنوان ضمانت حسن اجرای تعهدات به‌صورت ضمانتنامه بانکی یا فیش واریزی اخذ می‌گردد.
آخرین مهلت دریافت (توزیع) اسناد: متقاضیان می‌توانند حداکثر تا ساعت ۱۵:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۱۷ از طریق مراجعه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) اسناد مناقصه را دریافت نمایند. لازم به ذکر است مناقصه‌گران جهت شرکت در مناقصه می‌بایست در موعد مقرر نسبت به دریافت اسناد اقدام نمایند در غیر این‌صورت مجاز به ارائه پیشنهاد قیمت نمی‌باشند.
آخرین مهلت ارائه پیشنهادات و ثبت اسناد و مدارک در سامانه حداکثر تا ساعت ۱۵:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۳۱ می‌باشد. شرکت‌کنندگان می‌بایست تا قبل از برگزاری کمیسیون سپرده شرکت در مناقصه را به‌صورت فیزیکی به آدرس شیراز – بلوار عدالت جنوبی - ابتدای بلوار دولت غربی - جنب درمانگاه آزادگان - سازمان عمران و بازآفرینی فضاهای شهری - واحد قراردادها تحویل نمایند.
تاریخ و محل بازگشایی پاکات: روز دو شنبه ساعت ۱۳:۰۰ مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۰۱ در محل چهارراه خلدبرین، طبقه سوم شهرداری منطقه یک، سالن جلسات کمیسیون عالی معاملات می‌باشد.
مدت اعتبار پیشنهاد سه ماه از تاریخ ارائه پیشنهاد قیمت می‌باشد.
تعدیل آحاد بها بر اساس بخشنامه شماره ۱۰۱/۱۷۳۰۷۳ مورخ ۸۲/۹/۱۵ سازمان برنامه‌وبودجه پرداخت خواهد شد.
هیچ‌گونه وجهی بابت پیش‌پرداخت داده نخواهد شد.
بدیهی است هزینه آگهی به عهده برنده مناقصه خواهد بود.
شهرداری در رد یک یا تمام پیشنهادها مختار می‌باشد در این‌صورت سپرده‌ها مسترد می‌گردد.
برنده مناقصه موظف است تا قبل از انعقاد قرارداد مدارک مثبته در خصوص ثبت‌نام در سامانه ثنا را ارائه نماید.
شرکت در مناقصه و دادن پیشنهاد به منزله قبول شروط و تکالیف شهرداری موضوع ماده ۱۰ آیین‌نامه معاملات شهرداری می‌باشد.
سایر اطلاعات و جزئیات مربوط به مناقصه در اسناد مناقصه مندرج است.
آگهی و اطلاعات مربوط به مناقصه از طریق سایت https://shaffaf.shiraz.ir قابل مشاهده می‌باشد.
برنده مناقصه موظف به ثبت نام در سایت vendor.shiraz.ir می باشند.
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:
مرکز تماس: ۱۴۵۶
اداره کل ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری شیراز
شماره شناسه ۱۷۴۰۵۳۸

کانون تبلیغاتی سپهر جوان
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹
مجری انحصاری تبلیغات محیطی دانشگاه آزاد اسلامی